



فلورا فونتن مرکز متقاطع پر ازدحام بمبئی و مستوره معماری این شهر .

گو کد امین شهر از آنها خوشتر است  
گفت انشهری که در وی دلبر است

## چند روزی در بمبئی

نگارش س . م . سجادی

گفت معشوق بعاشق کای فتی  
تو بغربت دیده بس شهرها

ولی متأثر دیده اشک آلوده خود را بعزیزان مقیم  
دهلی دوخته تا مسافت ممتدی با اشاره دست و کلاه  
و با کلمات لرزان « فراموشم نکن » « منتظرم »  
یکی دیگری را بخودا میسپرد .

در این شب من هم یکی از مسافرین بوده  
و میرفتم تا بار دیگر بندر فعال پر جوش بمبئی را  
بینم . طول این مسافرت از ۳۰ تا ۳۶ ساعت و  
از هر طرف تا آنجا که دیده رسا است زمین پوشیده  
از چمن و اشجار و یا مستور از زراعت و غرق در  
کشت و کار است . منازل بین راه اکثراً بهم نزدیک  
و در هر ایستگاهی بلا استثنا آب لوله و برق آماده  
آهنک

ایستگاه است - غربی و



غوغا از هر طرف با هجوم  
جمعیتی از مردان و زنان در قواره و اشکال  
مختلف برپا، از هر سو صدا و از هر گوشه  
ندائی برمیخواست که ناگهان فریاد پرکش سوت  
حرکت یکی از ترن ها را در ساعت ده شب بجنوب  
باختری کشور اعلام نمود . انجین مهیب آن بغرش  
آمده و چهل اطاق پیایی چون نفرات ورزیده  
لشکر بدنبال افسر مقتدر یکی متصل بدیگری  
با حرکت و اصوات تک تک و منظم روان گردید .  
مسافرین همه از دریچه ها گردن کشیده خندان

و مهیا و علاوه بر بوفه ترن، رستوران علیحده هندو و مسلمان و هم راحتگاه مجزای مردانه و زنانه برای هر مسافری موجود است. عده ای از مسافری در هر قصبه و مرکزی معجلاً پیاده و جای خود را بعده دیگر میدهند.

بمحض توقف ترن مستخدمین هتل با عمامه و لباس سفید و کمرهای زردوز قرمز بهر جا دویده نیاز مسافری را مرتفع میدارند. فریاد سیگارت، لیمنا، چای، پان و پانی (آب) بچه ها با طرز مخصوصی توجه واردین را جلب مینماید. فروشندگان جرابد متعدد صبح و عصر به جار «اخبار» «اخبار» خود تکرار داده آخرین و تازه ترین واقعات دنیا را در دل بیابان بقیعت ناچیز مختصری (یک آنه) تقدیم

مسافرین  
 می نمایند. در این  
 منازل همه موقناً  
 پیاده میشوند.  
 زن و مرد،  
 کوچک و بزرگ،  
 پیر و برنا از هر  
 سنخ و هر طبقه  
 باشکال و الوان  
 مختلف سروپیکر

«دروازه هند»  
 ورود رسمی واردین  
 برجسته بکشور هند  
 با عبور از این معبر  
 انجام میشود.

را پوشانده قیافه های تیره و روشن از هر ملت و هر مملکت همه مخلوط و همه بدون مزاحمت بمصاحبت در آمده با نهایت آزادی راه و رسم یکدیگر را محترم شمرده هر کسی در اندیشه و نقشی است. آری - هر کسی را هوسی و سروکاری در پیش اما - من بیچاره گرفتار هوای دل خویش!

گرچه در این کشور ۲۰۲۲ زبان متداول است ولی اردو در اغلب نقاط رائج و تقریباً همگانی است. خلاصه همه جا دیدنی و همه چیز این کشور قابل مطالعه و دقت است.

در هشتمین ساعت صبح روز سوم سوت ترن طنین انداز گردیده رسیدن بمقصد را بما بشارت داد. باز هم ایستگاه است - ایستگاه شهر باعظمتی





اقامتگاههای نوین در خیابان معروف نیومارین

که دروازه هند  
و بنسدر دوم  
کشورهای مشترک  
المنافع بریتانیا  
نامیده میشود .  
بمحض توقف  
صدها کولی  
(فلی) که مصطلح  
این کشور و  
مقصود از حال  
ویژه ترن است  
با عمامه و لباس  
تمام قرمز هر یک  
نمره خود را بر  
فلز بسینه زده

ملت و  
راحت  
۳ ر  
نقشی  
پیش  
ش  
است  
است  
ز این  
ن ترن  
ت داد  
عظمتی

بعناوین دیگر خوانده شده که از انجمله « مومبای  
Mumba ، مشتق از « ماها امبا Maha-Amba » و  
منظور از دو کلمه اخیر الذکر مادر بزرگ خداوند  
ساکنین اولیه این جزیره بوده است نام دیگری  
« بونا بای Bona Bay » یعنی خلیج خوب نیز بان  
داده شده است .

بهر صورت این قطعه مرکب از هفت جزیره  
و بقرماقرمایان دکن تعلق داشته و بالاخره اصل  
جزیره و اطراف آن بموجب معاهده دسامبر ۱۵۳۴  
از طرف سلطان بهادر شاه گجرات به پرتغالیها  
واگذار گردید و در ۲۳ ژوئن ۱۶۶۱ بر اثر  
ازدواج شارل دوم پادشاه انگلستان با پرنس  
کاترین پرتغال جهیزیه وی واقع و بدین طریق  
پادشاه انگلیس تعلق گرفت و بعداً در ۱۶۶۸ در  
برابر ده لیره طلا در سال بشارت هند خاوری  
اجاره داده شد . بتدریج جزایر پراکنده آن بصورت  
آهنگ

چون مور و مانخ باطراف مسافرین ریخته  
صندوق و چندان و بارهای دیگر را پشت سر هم  
از یکطرف بیرون برانده و از طرف دیگر بر  
عرابه های دستی بداخل آسانسور چرخانده  
ببغارج میبرند - در آنجا تانکه (درشکه هندی)  
و تاکسی ها صف کشیده آماده هدایت مسافرین  
میباشند . این همه صدا در پلاقفورم بسیار  
بزرگ مستقیم منعکس شده کیفیت خصوصی را  
بمسافر می بخشد .

قبلاً در مجلات ما سطور مختلف و مختصری  
در اطراف این نقطه مهم تقدیم خوانندگان گرامی  
شده و من اکنون بتوصیف کلی و جامع تری  
مبادرت مینمایم :-  
تاریخ پیدایش این شهر با عظمت تا دو هزار  
و یکصد سال پیش بقیهرا برگشته و در آن دوره  
به « هپتانستا Heptanesta » مشهور و بعد ازان

تقلیه علی التوالی در حرکت است. سراسر جنبش همه در فعالیت، همه جا در بدن است و کارخانه های مرتفع شیک از ۴ تا ۶ طبقه که همه در چمن های زمردین قد کشیده و بر مناظر سبز فرح انگیز کنار دریا مسلط است و که محصور از درختان تک تک کهن و گل های رنگارنگ معطر میباشد، بویژه در شب، در پرتو و انعکاس دو میلیون چراغ الکتریک دل و دیده را لذت میدهد.

این شهر مهم و این بندر نامی مرکز و حاکم نشین استان وسیع پر جمعیتی است بهمین اسم (استان بمبئی) که از باختر بکرانه هند، از شمال بگجرات و کانارا در جنوب ممتد میشود. وسعت آن - ۷۷۲۲۱ میل مربع و جمعیتش بالغ بر ۲۱ میلیون نفر میباشد. استان بمبئی بطور کلی واجد نفوس و هم اراضی و آب و هوای مختلفی است و از انجمله

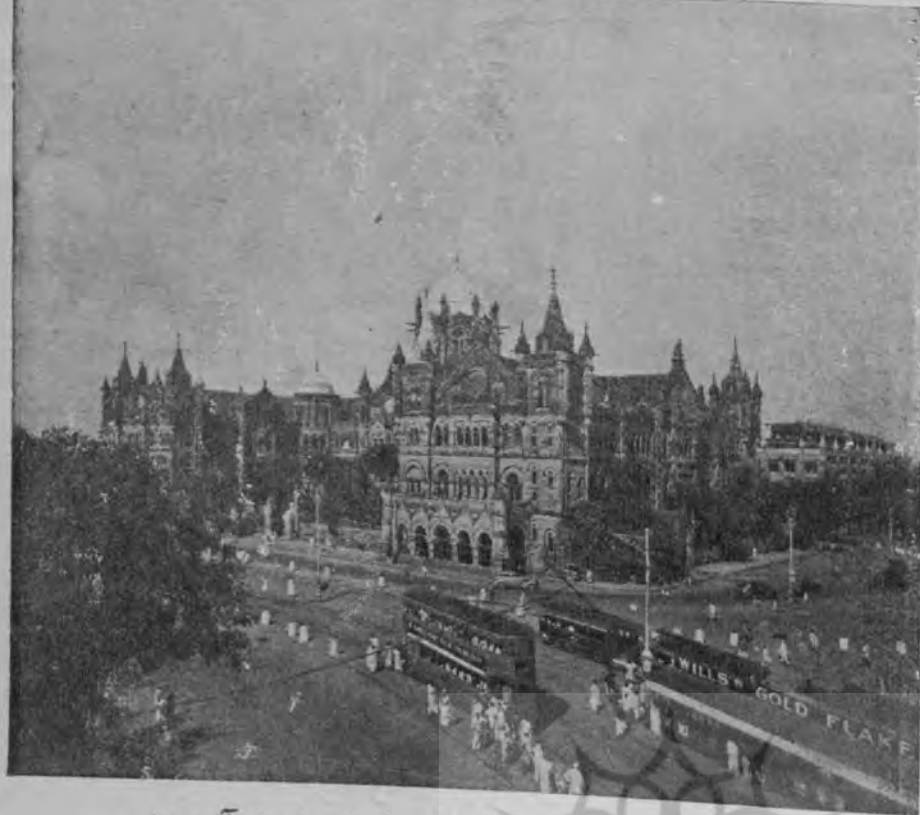
واحد درآمد و بمبئی امروز جلوه افروز کشور هند گردید. جمعیت آن نیز بهمین نسبت تدریجی رو بتراید نهاده از شصت هزار در سال ۱۷۷۳ به دو بیست و چهل هزار در ۱۸۴۳ و سپس ۱۱۱۶۱۰۰۰ در ۱۹۳۱ و بالاخره در خلال جنگ به متجاوز از دو میلیون و اکنون تقریباً به سه میلیون نفر بالغ گردیده و کاملاً بین المللی است. وفور جمعیت و کثرت اقوام مختلف، سبک معماری، طرز بنا، وجود اعتبارات هنگفت و افزونی داد و ستد که قسمت اعظم آن مدیون زحمات و آثار بارزه یکصد هزار پارسیان ایرانی الاصل مقیم این خطه است (رجوع شود بقسمت انگلیسی همین شماره) مزیت برجسته ایرا بدین نقطه بخشوده و از نقاط دیگر کشور برترش کشانده و مخصوصاً اختلاط شدید فرهنگی اقتصادی و اجتماعی

شرقی و غربی بر کیفیت و کمیت زندگانی هر زنده ای افزوده، راه نیل بهر منظوری گشوده و باز است. هزاران عمارت و سدها هتل سر بفلک کشیده، ترافیک و ازدحام بی پایانی هر تازه واردی را مستأصل میسازد. خیابانهای وسیع برطولی که از دو طرف مستور از مغازه ها است از هر سو مقاطع و انواع وسایل

بمبئی صنعتی مرکز با عظمتی است و این نمای داخلی یکی از چندین کارخانه های بافندگی میباشد.







«ویکتوریا ترمینوس» نقطه نهائی یکی از راه‌های آهن عظیم

سرنا سری هند در بمبئی .

این دستگاه فوق العاده مهم ۲۳۰ میلیون رویه و دارای بزرگترین کارخانه فولاد سازی کشورهای مشترک المنافع انگلیس است . مرکز آن در جمشید پور و ۶۷ هزار کارگر در آن محیط که خود بحقیقت شهری است بکار مشغولند بعلاوه در استخراج قوه برق از آب بزرگترین کارخانه را با دوست و پنجاه هزار قوه اسب برپا کرده و در صنعت هوا پیمائی نیز موفقانه جلو میروند . این شرکت دارای کارخانجات مهم صابون و عطر و روغن نیز میباشد و خلاصه کمتر رشته ای از صنایع هندوستان هست که در آن دخالت نداشته باشد . در مهانخانه معروف تاج محل بمبئی نیز شرکت دارند . ناگفته نماند که پارسیها قسمت مهمی از ثروت خود را برای خدمات اجتماعی و کتابخانه و میدانهای ورزش و بازی صرف مینمایند . بیمارستان مشهور آهنگ

گجرات است که از لحاظ حاصلخیزی و جلگه های نروتمند گلستان هندش نامند . و که مردمانش گرچه سالیان دراز تحت سلطه و اقتدار سلاطین مسلمان بوده ولی نسبت بفرسفه و کیش هند و وفادار و استوار مانده و در ردیف منزله ترین نژادهای تجارت پیشه گیتی بشمارند . شهرستانهای عمده این استان عبارتند از احمد آباد با تقریباً ۳۴۰۰۰۰۰ یونه ۳۰۰۰۰۰۰ و شولا پور ۱۸۰۰۰۰۰ نفر . سند نیز که حاکم نشین آن کراچی

است تا آوریل ۱۹۳۶ جزو استان بمبئی بوده است .

با اینکه ۶۴ درصد اهالی استان بمبئی زراعت پیشه میباشد معذالک صنعت بویره نساجی در بمبئی و حیدر آباد درجه اول را حائز است و مرکز کارخانجات عمده در این دو شهر است که مجموعاً با سایر نقاط استان ۱۴۰ هزار کارگاه و شش میلیون حوک بکار مشغولند . چنانکه قبلاً اشاره شد وجود پارسیها در تمام مراحل حیاتی بخصوص عمران و آبادی و صنعت مؤثر بوده و بحقیقت میزان تاثیر این قوم محدود که در شماره با سایر ساکنین این کشور نسبت یک به چهار هزار میباشد بهیچوجه تناسبی با عمده آنها ندارد . اینان در اغلب رشته های صنعتی وارد و ذیمدخل بوده که از انجمله دستگاه صنعتی مشهور تاتا است . سرمایه

و ۳۳ ج . ج . هیپتال نیز مولود همین خدمات است .

این جامعه محدود، در تربیت و فرهنگ نیز گوی سبقت را ربوده و شماره با سواد آن ۹۱ در هزار رسیده است و در زبان انگلیسی نیز که در این کشور حد متوسط آن ۱۲۲ در ده هزار است پاریس با ۵۰۴۱ در ده هزار رسیده اند .

مظاهر دیرین و نوین و شئون گوناگون حیات بشر در این قطعه از هند خارج از کنجایش یک مقاله است و لذا این قسمت از نگارش خود را به مؤسسات فرهنگی آن ادامه و بتوصیف یکی از دانشکده ها پابان میدهم چه همه چیز مدیون و مرهون فرهنگ است و تا دانش و همتی نباشد بینش و عزتی در زندگی متصور نیست -

### کسب کمال کن که عزیز جهان شوی .

قسمتی از فرهنگ این استان از آن حکومت و قسمت دیگر با اعانه و کمک اداره میشود .

دانشکده های ادبی و فلسفی در بمبئی ، اندهری ، احمدآباد ، و دهاروار تحت سرپرستی حکومت است بعلاوه دانشکده پزشکی ، دانشکده مهندسی بونه ، دانشکده کشاورزی ، هنرستان ، حقوق و دانشکده تجارت نیز بر عهده حکومت است ولی اغلب دبیرستانها از کنترل حکومت خارج و با دست اشخاص اداره میشود . دبستانها با اعانه مقامات محلی جاری و شهر داری بمبئی مسئول امور آموزش ابتدائی در شهرستان بمبئی است .

شماره مؤسسات فرهنگی در ۱۹۴۰ به ۲۲۳۲۲ عدد بالغ گردید که ۲۱۸۶۶ مؤسسه از این شماره رسماً از طرف حکومت شناخته شده و از آن ۱۹۸۶۲ برای مردان و ۱۹۹۹ متعلق به زنان است . بنگاههای رسمی شامل ۱۸ دانشکده صنعت و علوم بغیر از دانشگاه اقتصادیات و علم الاجتماع ، ۱۴ دانشکده اختصاصی عملی پیشه وری ، ۷۹۰ دبیرستان ، ۱۹۱۱۵ دبستان و نیز ۱۹۳۸ آموزشگاه مخصوص

میباشد . درین استان ۲۱۶۶۸ قصبه و دهکده وجود دارد که تقریباً دو نلک آن واجد مدرسه و آموزشگاه است . در ۱۹۴۰ شماره



« بند استند » که در عقب آن بنگاه علمی سلطنتی هوبدا و نمایان است . موزیک همگانی در اینجا نواخته میشود .

دانشجویان به ۱۷۸۳۰۷۲ نفر رسید. از این شماره ۱۰۵۰۴۱۸۲۱ پسر و ۲۷۷۱۳۵۱ دختر و میزان هزینه فرهنگی همگانی در ظرف یکسال ۴۰-۱۹۳۹ رقم آن از ۴۱۰ لک (هر لک یکصد هزار روپیه) به ۴۳۸ لک افزایش یافت. تمامی امور این فرهنگ پر دامنه تحت نظر یک نفر مدیر کل و برای هر قسمت یک بازرس و برای هر بخش یا قصبه یک معاون بازرس اداره میشود. علاوه بر آنچه گفته شد یک سلسله تحصیلات عالی نیز بر عهده دانشگاه بمبئی است که در ۱۸۵۷ قریب نود سال قبل تأسیس یافت.

یکی از مؤسسات فرهنگی بویژه اسلامی دانشکده اسمعیل یوسف در اندهری نزدیک بمبئی است که پیدایش خود را مدیون هشتصد هزار روپیه میباشد که از طرف سر محمود یوسف در ۱۹۱۴ بمنظور بالاتر بردن سطح آموزش و پرورش جوانان مسلمان اعطا گردید. و دولت با مطالعات دقیق مبلغ مزبور را اختصاص بیک دانشکده درجه اول داد که گرچه دانشجویان از هر کیش و هر طبقه در آن پذیرفته میشوند ولی حق تقدم از آن مسلمانان است. و آن همین دانشکده است که یک بنگاه رسمی شناخته شده و بر تپه بسیار با طراوت و مصفائی واقع و علاوه بر کلاسهای متعدد، دارالتجزیه کتابخانه مهم و قرائت خانه مفصل گنجایش ۷۴ دانشجوی شبانه

روزی را دارد. سراسر بنا مجهز با بهترین دستگاه و ادوات الکتریک و تازه ترین وسائل بهداشتی است. زمین و لوازم ورزش آن کاملاً وسیع و مکمل و خلاصه هر گونه وسیله و اسباب درجه اول برای تمرین و تحصیل هر دو فراهم است. دانشجو علاوه بر رشته های مربوط به علوم در قسمت های زیرین نیز بدرجه فوق لیسانس M.A. نائل میگردد و گواهی نامه او مورد قبول دانشگاه است :-

انگلیسی، تاریخ و اقتصادیات، فارسی، عربی، اردو، سانسکریت، ریاضیات و فلسفه. ضمن دانشجویان این دانشکده اشخاصی نیز پذیرفته میشوند که علاوه بر حسن شهرت در پشتکار و اخلاق دارای گواهی نامه دوره کامل یکی از دبیرستان های درجه اول مانند مدرس، برمه، لندن، اکسفورد، کمبریج و غیره بوده بعلاوه احکام و مقررات مربوطه به دیسیپلین و اخلاق را چه در داخل و چه در خارج از دانشکده محترم شمرده اطاعت نمایند دختر و پسر هر دو پذیرفته و مراحل تحصیلی را توأماً طی مینمایند. ورزش و تمرینات بدنی لازم و حتی الاجرا است.

دانشکده از خود دارای مجله است که هر شش ماه یکمرتبه منتشر و علاوه بر مقالات سودمند شاعر گزارش کاملی نیز از کارها و موفقیت های حاصله آن همدت میباشد.

